

## دومین پیام هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) خطاب به دانشجویان و آزادیخواهان ایران!

### دانشجویان دلاور! مردم آزادی خواه!

دیروز چهارشنبه ۲۲ تیر ۷۸، تهران شهر اشغال شده بود، انقلاب ما در همان قدم نخست حاکمان اسلامی را وادار کرد در هیئت واقعی خود در انظار جهانیان ظاهر شوند؛ اشغال گران، قبلاً یک قدم عقب نشینی کرده بودند تا تاکتیک شمشیر عریان را که بیش از یک سال بود پی گیری می کردند به اجرا درآورند و این بار آن را از زبان رئیس جمهوری اعلام کردند که مدعی مقابله با این تاکتیک و دفاع از جامعه مدنی بود.

خانمهای که پرپر روز دربارۀ فاجعه کوی دانشگاه اشک تمساح می ریخت و از حمله مزدورانش به خوابگاه دانشجویان عذرخواهی می کرد و می گفت حتی اگر عکس مرا هم آتش بزنند چیزی نگویید، حالا می گوید به بسیجی هایش فرمان خواهد داد که شما را مرعوب و منکوب کنند. دبیر شورای امنیت شان تهدید می کند که شما را "قطعه قطعه" و "تکه تکه" خواهد کرد.

می ترسند و می خواهند ما را بترسانند. ترسیده اند، چون مردم در روز تاریخی ۲۲ تیر شیور انقلاب را با اعلام موضع خود علیه حاکمیت ولایی به صدا درآوردند. همه شان دقیقاً به این علت تکان خورده اند و رفسنجانی آن چه را که عمله های ریز و درشت استبداد از همه بلندگوها فریاد می کنند با یک فرمول طلایی اعلام کرد و گفت: «به عمود خیمه انقلاب اهانت شد، برای اولین بار است که در این سطح جسارت شد».

حالا آن ها برنامه جنگی خود را از زبان فرمانده شمعخانی در مقابل مردم گذاشته اند و می گویند سه خط قرمز داریم: «حاکمیت دینی، ولایت فقیه و شخص رهبر». اگر از این سه خط عبور کنید قطعه قطعه تان می کنیم. خشونت های تاکتونی شان را با سازمان دادن مزورانه و از پهلو در درون صف مردم تقویت کرده اند و تازه گروه گروه جوانان را هم با بی شرمی به اتهام خشونت طلبی به زندان برده و به مرگ تهدید می کنند.

بگذار خشونت کنند، ادامه خشونت بی تردید انقلاب را به خشونت خواهد کشید و عیای ولایت و جمهوری اش را به آتش خواهد کشید. بهای این خشونت را خودشان بیش از همه خواهند پرداخت.

اما اکنون وقت هشباری است، باید از انقلاب با هشباری هرچه تمام تر در مقابل ضربات سرکوب دفاع کرد. خطرات ناشی از سرکوب و فضای رعب و وحشت را به حداقل رسانید. با اتخاذ تاکتیک های مناسب در همین شرایط، قوای انقلاب را تقویت کرد و آن را با تحمل کمترین تلفات به پیش راند. در طی این مسیر اگر آن ها دستگاه های سرکوب و تجربه استبدادها را دارند، ما هم نیروی عظیم و شکست ناپذیر مردمی به پا خواسته برای آزادی و تجربه انقلاب را داریم:

۱\_ در لحظه حاضر که آن ها می خواهند مبارزه را به مصاد نیزه عریان خودشان و گردن لخت شهروندان تبدیل کنند، می توان با سازمان دادن مقاومت منفی که اکثریتی عظیم از مردم را متناسب با شرایط شان به صحنه مقاومت عملی وارد می سازد با این سرکوب مقابله کرد. اگر

بقیه در صفحه ۲

## طوفان در راه است!

### ح-آبکناری

در بیست سال حاکمیت لحظه به لحظه ی رژیم جمهوری اسلامی ایران، مردم به جان آمده تنها شش روز جلوه نمودند! این سیمای باشکوه، مصمم، عدالت جو و آزادی خواه با جلوه ی شش روزه اش؛ رعشه در ارکان نظامی انداخت که رهبرانش بیست سال تمام برای مخالفت با مردم، برای جلوگیری از طغیان، و مهار این رودخانه ی جاری بی انتهای به ظاهر آرام، سرمایه گذاری کرده بودند. نیروهای تودرتو و پیچ پیچ ساخته بودند، و سدهای فراوان پرداخته بودند: ارتش، سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی و امنیتی، انصار

و چماق داران حزب الله؛ بیدادگاه های جوراجور، زندان های تازه پرداخته و مرمت شده، شلاق و دار و تیر و جوخه های آتش؛ هزاران ملاً و مفسر و مروّج و مسجد و شبستان و روضه خوان و تعزیه گردان؛ سانسورچیان و مفتشان و جاسوسان و سربازان غیبی امام زمان برای ترور مردمان و حکومت خدائی به همه ی مسلمانان ... این ها همه ساخته و پرداخته شده در خدمت یکه تازی روحانیت حاکم، آیت الله های جفت و تاق و ایادی آن ها بود تا بندهای گران بر پای تک تک مردمان نهند، چنان که آنان از برداشتن قدم از قدم به منظور شانه بالا انداختن از فرامین رهبران عاجز گردند

خمینی به عنوان مردی که انقلاب را از انقلاب دزدیده بود، چنان نظام جمهوری اسلامی را با تکیه به بند و تیر و اعدام و سرکوب و سانسور و خفقان استوار کرده بود و برای تحکیم پایه های نظام ولایت اش و انقیاد مردم، قتل عام آنان

بقیه در صفحه ۲

می شوند که در حقیقت در تمام دوران پس از دوم خرداد هم هرگز نتوانسته و نخواسته بودند که خود را از آن کاملاً بیرون بکشند.

روزنامه «نشاط» در داخل کشور، بویژه به ارگان جاماندگان از حرکت مردم تبدیل شده است. این روزنامه وقتی دست اندرکارانش دیدند که جریان اعتراضات از دست جناح خاتمی هم در رفته است، ترجیح دادند با همه قوا به اجرای رهنمود ارگان غیررسمی محفل قاتلان بپردازند. روزنامه «کیهان» ارگان محفل قاتلان و مجریان قتل های زنجیره ای و یاران سابق سعید امامی، در تحلیل روز سه شنبه ۲۲ تیرماه خود، بار دیگر خواستار «جدا کردن خودی ها از غیرخودی ها» می شود و همین خواست را روزنامه «نشاط» با پیوستن به ارکستر وحشت پراکنی و اتهام زنی علیه جوانان سلحشور و انقلابی مردم

بقیه در صفحه ۴

## کشتی ولایت را

### دیگر ساحل

## نجاتی نمانده است

### وحید نیرابی

با نواخته شدن پیش درآمد انقلاب مردم ایران علیه استبداد، زمره ها و دل نگرانی های اردوی اصلاح طلبان درون و پیرامون رژیم، ظرف کمتر از یک هفته به همنوایی آشکار با خامنه ای و سیاست سرکوبگرانه وی کشید. «اصلاح طلبان» که دوران سیاسی خود را با خیزش عمومی توده های جوان و آزادیخواه کشور در حال از دست رفتن می بینند، بتدریج در لجنزار غرق

## دنباله از صفحه ۱ دومین پیام.....

می‌خواهیم اسارت ناممکن شود باید آن قدر زندان برویم که زندان‌ها پر شود؛ اگر می‌خواهیم شکنجه کاهش یابد و از گسترش اعدام‌ها جلوگیری شود، باید همه، هر چه بیشتر به میدان بیایند؛ آن‌گاه همه خواهند دید که رژیم چقدر پوشالی است، همه را نمی‌شود زندان کرد، همه را نمی‌توان شکنجه کرد، همه را نمی‌توان کشت و اکنون همه، جز اقلیتی ناچیز خط قرمز آن‌ها را قبول ندارند. این "همه" را می‌توان از طریق مقاومت منفی و نافرمانی مدنی که سلاح سرکوب‌خشن و برق‌آسا را از کار می‌اندازد به میدان کشید.

۲- ایجاد هسته‌های چابک مقاومت. در شرایطی که حکومت ولایی آشکارا به صورت نیرویی اشغال‌گر عمل می‌کند شرایط در گستره کشور برای ایجاد این هسته‌ها مساعد است. این هسته‌ها می‌توانند سازمان‌گر مخفی یک مقاومت منفی علنی گسترده باشند و انرژی عظیمی را که در محلات زحمت‌کش نشین، در مدارس، در کارخانه‌ها، در محل کار به صورت فتر فشرده جمع شده، آزاد کنند و با عملیات مقطعی و ضربتی، یا متداوم و سراسری از تمرکز نیروی سرکوب رژیم بر روی یک کانون، جلوگیری کنند.

۳- تزلزل در نیروهای مسلح رژیم یکی از وظایف ماست. در هیچ دیکتاتوری همه افراد مسلح ارگان‌های سرکوب ضرورتاً در مقابل مردم نمی‌ایستند، چه بسیار از آن‌ها که از سر ناآگاهی خطا کرده‌اند حاضرند در شرایط انقلابی به آغوش مردم باز گردند. این‌ها باید تا دبر نشده همبستگی خود را با مردم نشان دهند. می‌توان به آن‌ها نشان داد که این راه به روی آن‌ها باز است.

رژیم خسونت می‌کند و خون جوانان را به زمین می‌ریزد. آن‌گاه انقلاب را به خشونت و خونریزی متهم می‌کند و "قانون‌گرایان" درون رژیم هم این نمایش وحشت را تأیید می‌کنند. ما نمی‌خواهیم جوانان ما در خون بطنند، ما فقط حق تعیین سرنوشت خود را می‌خواهیم. و همین اکنون هم می‌خواهیم. ما آن سه خط را که هیأت حاکمه اعلام کرده قبول نداریم. شما اگر جرأت دارید به رأی بگذارید! اگر طالب خون‌ریزی نیستید، ج. ۱ را به رأی بگذارید! اگر راست می‌گویید که به حق انتخاب مردم اعتقاد دارید به رأی بگذارید! اگر واقعا از مداخله خارجی‌ها وحشت دارید، سرنوشت ج. ۱ را به رأی مردم خود ما بسپارید! اگر ادعای تان راست است که نگران فلاکت اقتصادی مردم هستید، خودتان را به رأی بگذارید! اگر جرأت دارید فقط یکی از سه اصل تان - یکی از سه خط قرمزتان را به رفرا ندوم بگذارید و آن را هم خودتان انتخاب کنید.

## مردم آزاده ایران!

شما می‌دانید آن‌ها دروغ می‌گویند. آن‌ها خون‌ریزی می‌خواهند، چون سرکوب را تنها راه حفظ حاکمیت خودشان می‌دانند و برای هموار کردن راه سرکوب، خون جوانان، این تالایه داران آزادی را بر زمین می‌ریزند. جوانان خود را تنها نگذارید!

## کارگران مبارز!

جوانان را در مقابل شمشیر عربان تنها نگذارید! در کارخانه‌ها و محلات زیست زحمتکشان هسته‌های مقاومت ایجاد کنید و از جان جوانان مان و از آزادی در مقابل ضربات سرکوب دفاع کنید.

## زنان آزادی‌خواه!

جان جوانان ما در خطر است و انقلاب برای آزادی زیر ضربات رژیم زن‌ستیز، چرا با مقاومت منفی، جبهه‌ای را که دانشجویان باز کرده‌اند گسترش نمی‌دهید؟

## پرستاران، آموزگاران!

شما که رنج کار و درد استبداد را توامان بهتر از بسیاری کشیده‌اید، آن‌چه را که به شاگردان خود یاد داده‌اید مورد حمایت قرار دهید و جان‌هایی را که پرستاری کرده‌اید با گشودن جبهه مقاومت منفی نجات دهید!

## دانش‌آموزان، جوانان!

دانشجویان به دفاع از آینده شما که رژیم آن را بی‌چشم‌انداز کرده برخاسته‌اند. آنها را تنها نگذارید!

۲۴ تیرماه ۱۳۷۸

## دنباله از صفحه ۱ طوفان در راه.....

را بنای اصلی کار خود قرار داده بود که هرگز گمان نمی‌کرد تنها ده سال پس از سقط‌شدنش، جمهوری اسلامی "عزیز" با روسیاهی هرچه تمام‌تر می‌رود تا هم‌چون پرداخته‌اش در منجلاب سقوط درغلطد.

او مُرد و وارثانش که تنها درنده‌خوئی، کشتارگری، شیبادی و مکاری را به ارث برده بودند بی‌آن‌که اتوریته خمینی را داشته باشند، خوش خیالانه آمدند و بر کرسی خونین پدر تکیه زدند، بی‌آن‌که حتی لحظه‌ای از خیال‌شان هم بگذرد که ممکن است با روزگاری این چنین رودررو شوند.

مردم اما از همان روز نخست حاکمیت بیست‌ساله این نظام سیاه، سرتق و حرف نشنو در همه‌ی ابعاد اجتماعی و خصوصی، با مقاومت عملی خود به رهبران دهن‌کجی می‌کردند! و تن به قالبی که رژیم می‌کوشید همگان را در آن جای دهد، نمی‌دادند که هیچ، مدام به بهانه‌های مختلف، قالب‌های زورکی و ساخته‌ی فاشیست‌های مذهبی را می‌شکستند. این مقاومت که در اعماق جامعه صورت می‌گرفت، هر از گاهی خود را به شورش کارگران، تهی‌دستان، زنان، جوانان و اعتراضات روشنفکران، روزنامه‌نگاران و نویسندگان مردم در اشکال مختلف و به بهانه‌های مختلف نشان می‌داد.

آنان، انبوه مردمان از همه دست، چنان چون آتشی زیر خاکستر آرام آرام و با هوشیاری خود را پرداختند تا در یک لحظه‌ی مناسب بتوانند جان این نظام را به آتش خشم خود بسوزانند، شیشه‌ی عمر این دیو اعصار گذشته را به سنگ اراده خود بشکنند. شش روز هفته پیش جلوه‌ی آشکار این روند بیست‌ساله بود.

این جلوه، وحشت مرگ به جان رهبران و جانشینان "امام راحل" انداخت تا آن‌جا که هاشمی رفسنجانی‌ی دو‌دوزه‌باز، و طراح اصلی پشت‌صحنه همه‌ی سیاه‌کاری‌های خونین نظام، که معمولاً رندانه می‌کوشد همه چیز را از مردم پنهان کند، چاره‌ای جز اعتراف به این حقیقت نداشته است که بگوید: «اولین تلخی این حوادث این بود که به عمود خیمه انقلاب و ولایت فقیه که محور انقلاب و عظمت و شکوه و استقلال کشور ماست، اهانت شد... و برای اولین بار در این سطح گستاخی و جسارت شد!!» و

حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و نایب رئیس مجلس اسلامی، برای پاک کردن تف هزاران هزار مردم به‌جان آمده بر چهره و محاسن سیدعلی خامنه‌ای "رهبر معظم انقلاب" اعلام می‌کند: «ما ضمن تجدید بیعت و میثاق استوار خود با رهبر حکیم و بزرگوار ولی‌امر مسلمانان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدخله‌العالی، جسارت معاندان و هتک حریم مقدس ولایت را شدیداً محکوم نموده و خواستار کیفر حرم‌شکنان هستیم...»

اما با هیچ دست و پا زدن و بگیری و به‌بیندی نمی‌توان بر پیشانی رویدادهای هفته‌ی پیش که به صراحت فریاد می‌زدند «خامنه‌ای حیا کن، سلطنت رو رها کن» مهر مردم را پاک کرد حتی اضافه کردن واژه "العظمی" به صفت‌های رهبر آدم‌شان او را دوباره بر جبروت قدرت خدائی نمی‌نشانند!! آن کاسه شکسته و آن آب ریخته شده، و با بگیر و به‌بندها و تهدید و ارباب‌ها دیگر آب رفته به جوی باز نمی‌گردد!!

اگر دولت‌مردان رژیم ضدآزادی معتقدند حقیقت جز این است و هیچ چیز تغییر نکرده است، به چه دلیل حسن روحانی قسم می‌خورد که: «به مردم اطمینان می‌دهیم که دولت کاملاً به اوضاع مسلط است و نگرانی در این زمینه وجود ندارد»، و به جناح‌های حکومتی توصیه می‌کند: «بدون آشنائی با قواعد بازی و رودرروی صحنه‌ی رقابت‌های سیاسی، ممکن است خطرات جبران‌ناپذیری را برای ما به‌وجود آورد» و از مسئولان امنیتی و انتظامی و قضائی خواستار برخورد سریع و قاطع با "اشرار و آشوب‌گران، تفاله‌های باقی مانده استکبار و عناصر مفسد و محارب" می‌شود و ضمن تهدید به این‌که: «با اشرار و عناصر آشوب‌طلب برخورد قاطع خواهد شد تا برای دیگران درس عبرت باشد!»؛ از امت حزب‌الله می‌خواهد که «همه در زمینه اطلاعات به وزارت اطلاعات کمک کنند و در زمینه عملیات، پشتیبان نیروهای رسمی، امنیتی، نیروهای انتظامی و بسیج و سایر نیروهای باشند!!» وزارت اطلاعات و امنیت رژیم که سعید امامی قاتل قتل‌های زنجیره‌ای را پرورش داد و با اعتماد به نفس کامل و منم منم بسیار میدان‌دار بوده، امروزه با آشفته‌گی و نگرانی از وفاداران می‌خواهد:

بقیه در صفحه ۳

«با حفظ هوشیاری کامل، اخبار و اطلاعات خود را پیرامون عناصر مخرب، آشوب‌گر و هرگونه تحرک مشکوک را در تهران» خبر دهند، و از مطبوعات انتظار دارند: «که در این زمینه مساعی خود را با مردم همسو نمایند». کار به حدی نگران کننده است که هاشمی رفسنجانی که مثل سایر رهبران مکار تا دیروز نیروی انتظامی را برای آرام کردن و رام کردن دانشجویان زیر ضرب برده بودند، به خاطر روحیه دادن دوباره به نیروهای انتظامی و باز گرداندن اعتماد به نفس به آنان برای سرکوب جنبش اجتماعی و دانشجویی، می‌گوید اگر چه باید عمل نیروی انتظامی را در جریان کوی دانشگاه رسیدگی کرد، اما «چون آن‌ها در سطح کشور و سطح تهران تکلیف‌شان را خوب انجام داده‌اند، باید از آن‌ها تشکر کنیم».

این‌ها همه نشانگر زمین لرزه‌ی عظیمی است که همه‌ی جهان شاهدش بوده و از هیبت آن چهار ستون رژیم به رعشه درآمده و خود رهبران رژیم کشتار، پیش از هر کسی به ابعاد آن واقفند! آن‌ها برای فریب خود و مزدوران‌شان و از دست ندادن امکانات بین‌المللی، خود را به کوچکی علی‌چپ می‌زنند!

شوخی نیست! هزاران هزار نفر از مردم به خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ ریخته‌اند و در یک فراندوم عملی رسماً اعلام کرده‌اند که این رژیم را نمی‌خواهند! که از رهبران آدم‌کش آن متفرند، که علیه استبداد است که شورش کرده‌اند و البته تا به دست آوردن آزادی از پای نخواهند نشست! و این همه را به روشنی آن‌چنان فریاد زدند که کراهی همه جهان شنیدند! اما حاکمان که بر کرسی خونین قدرت چسبیده‌اند، با بگیر و ببند و تهدید و کشتار و با سر هم کردن دروغ‌های شادخار و توطئه و ترفند و زور هم که شده می‌خواهند این حقیقت را، این نیم‌رخ آفتاب آزادی خواهی را با دم سرد و تار خود ببوشانند! آن‌ها مضطرب از همه چیز، به سبک دوره آخر عمر شاهنشاهی، هواداران "قانون اساسی" تازه‌ای را به خیابان آورده‌اند تا نشان دهند که تنها و منزوی نیستند، که هنوز مردم با آن‌ها هستند!! و چه تلاش مذبوحانه و خنده‌آوری!!

مهم نیست که روز چهارشنبه ۲۳ تیرماه ۷۸ طرفداران رژیم شکنجه و کشتار، انصار حزب‌الله در دفاع از نظام الله کم یا زیاد بوده‌اند. اصلاً از لج هم که شده ادعای کانال تلویزیون LCI فرانسه که می‌گوید رژیم در روز چهارشنبه برای زیاد جلوه دادن جمعیت حامی خود، از آرشيو فیلم‌های تظاهرات سال‌های گذشته استفاده کرده است را باور نمی‌کنیم! و عمداً هم که شده چشم‌های خود را می‌بنیدیم و باور می‌کنیم که "بازاریان محترم"

هیچ کدام از ترس جان و مال‌شان نبوده است که به خیابان‌ها ریخته‌اند تا از "آقا" دفاع کنند!! یا خیل کارمندان و کارگران را به اجبار تحت نظر برادران بسیجی و انجمن‌های اسلامی ادارات و کارخانه‌جات به صف نکرده‌اند و صد البته نظامیان پادگان‌ها را با لباس سویل به قدم آهسته در خیابان‌های تهران به سبک شاه سرنگون شده، و نداشتند. و به جان "رهبر معظم انقلاب" سوگند! که هیچ برادر بسیجی، پاسدار سرباز غیبی امام زمانی هم به جای امت همیشه در صحنه، در صحنه حاضر نشده است! و از شهرستان‌ها هم هیچ خواهر و برادری را به تهران گسیل نداشتند!! هر چه بوده و هر قدر بوده‌اند، امت اسلامی بوده است که با جان و دل آمده بوده‌اند تا با "ولی امر مسلمین" حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم هو شده به وسیله ضدانقلاب بیعت کنند و انزجار خود را از "اشرار وابسته به خارج و گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل سیا و موساد" بیان کنند!!

این‌ها همه گیریم که همین‌طور هم بوده است، خب که چه؟! این چه چیزی را ثابت می‌کند؟ چه چیزی را بر سر جای سابق‌اش باز می‌گرداند؟ وقتی به قول آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مرد مزور رژیم، "عمود خیمه انقلاب" مورد هجوم مردم قرار گرفته است، وقتی پاسخ "ته" خونین مردم ایران را همه‌ی مردم جهان شنیده‌اند و مردم نشان داده‌اند که دشمن این نظام آزادی‌کش و انسان ستیزند و او را نمی‌خواهند، برگزاری این نمایش‌ها چه ارزشی دارد و چه کسی را فریب می‌دهد؟ این مقاومت در مقابل خواست اکثریت مردم ایران که با شقاوت رهبران توام است چه چیزی جز نمایش دست و پا زدن یک رژیم محتضر را بیان می‌کند!!

ترس از مرگ است که رهبران، نقاب لبخند و ریا و تزویر را کناری نهاده‌اند و با چهره قصاب‌منشانه خود، با کاردهای خون‌چکان و با وعده "تکه تکه کردن" مردم، جلوی صحنه آمده‌اند. این بگیر و ببندها این بار نه از موضع قدرت و درهم شکستن مقاومت مخالفان، بلکه ناشی از اعماق ترسی است که به جان همه‌ی رهبران نظام از خامنه‌ای گرفته تا خاتمی افتاده است. آن‌ها از سر زبونی تهدید می‌کنند، آدم می‌کشند و زندان‌های فراوان‌شان را پر از فرزندان آزادی‌خواه مردم می‌کنند!! حتی حجت‌السلام والمسلمین، حسن روحانی آدم‌کش ضمن این‌که سببیت جانورصفته‌اش را با بیان این‌که «منع مسئولان اگر نبود، مردم ما، جوانان مسلمان غیور و انقلابی ما، این عناصر اوباش را تکه تکه و قطعه قطعه می‌کردند»، اعلام می‌کنند:

«خوش‌بختانه ظرف دیزوز و دیشب عناصر آشوب طلب دستگیر شدند ... و به عنوان محارب و مفسد مجازات خواهند شد».

یعنی آن‌ها را می‌کشیم!! بسیار خوب اگر می‌توانید بکشید!! که چه بشود؟ شما در تمام این بیست سال عادت داشته‌اید بر خلاف تمام عرف بین‌المللی و انسانی اسرای‌تان را بکشید!! این را همه می‌دانند. تازه فکر می‌کنید با انجام این جنایت چه می‌شود؟ مگر در گذشته شما فرزندان آگاه مردم را هزار هزار به وحشیانه‌ترین شکلی به دنبال روزها و هفته‌ها و گاهی سال‌ها شکنجه‌های غیرقابل تصور یک انسان، نکشته‌اید؟ مگر برای عبرت دیگران زیر شکنجه‌گاه‌های مخوف خود، آن‌ها را مسخ نکرده و نادم نساخته و به اعترافات جرم‌های ناکرده ناچار نکرده‌اید؟! به جراثقال آویزان‌شان نکرده‌اید؟ خون‌شان را قبل از اعدام نکشیده‌اید؟ به دختران محکوم به اعدام تجاوز نکرده‌اید؟ حتی شما حضرات آیت‌الله‌ها و حجت‌الاسلام‌های وحشت‌زده، پول گلوله‌هایی را که در تن عزیز آزادی‌خواهان و عدالت‌جویان ما فرو کرده‌اید، از خانواده‌های داغ‌دارشان پس نگرفته‌اید؟ در این بیست ساله چه‌ها که شما جلادان نظام جمهوری اسلامی ایران از خمینی تا جانورانی از نوع حسن روحانی با مردم نکرده‌اید؟؟ چه بلاهائی که بر سر آنان نیآورده‌اید، چه خون‌هایی که بر دل مردمان ریخته‌اید!!

پس چه چیز بیشتری دارید که آنان را، مردم را، جوانان را از آن می‌ترسانید؟ شما برگ تازه‌ای در جنایت کاری ندارید و مردم همه نوعش را تجربه کرده‌اند. مردم دیگر از شما هراسی ندارند. آن‌ها با علم به این‌که شما قصابانی هستید که هیچ مرز انسانی را به رسمیت نمی‌شناسید، به میدان آمده‌اند. هزاران هزار نفر جان به کف به میدان آمده‌اند حضرات! این‌ها را نمی‌فهمید آقایان علما!؟

شما اگر ذره، تنها ذره‌ای به خود اطمینان دارید، به حضور ناظران بین‌المللی برای انجام یک فراندوم تن در دهید! آن وقت دیگر هیچ ابهامی برای شما نمی‌ماند که کارگران، زنان، جوانان، نویسندگان، همه‌ی مردم، همه و همه، ریز و درشت از شما متفرند، از نظام جهنمی شما متفرند و چه بخواهید چه نخواهید اراده متحدشان شما را از اریکه قدرت به زیر خواهد کشید و به زبان‌دانی تاریخ خواهد انداخت. آن روز دیر نیست، دور نیست.

طوفان در راه است... ۲۵ تیرماه ۷۸

## دنباله از صفحه ۱ کشتی ولایت ....

به اجرا می‌نهد. روزنامه «نشاط» هزاران هزار جوان رزمنده انقلابی را که حاضر نیستند به وعده‌های جناح خاتمی دلخوش دارند، خشونت‌طلب، و آشوب‌طلب می‌نامد. نویسندگان این روزنامه که بوی الرحمان «توسعه سیاسی» خاتمی ملامشان را آزار می‌دهد و در فروپاشی دستگاه جباریت اسلامی، خود را نیز فروپاشیده می‌یابند، ضمن بستن اتهاماتی چون خشونت‌طلبی و زیاده‌خواهی به جوانان رزمنده و انقلابی، به طعن و لعن انقلاب برمی‌خیزند و هشدار پشت هشدار صادر می‌کنند که مبدا انقلاب کنید، و مبدا از چهارچوب جناح خاتمی فراتر بروید.

دست اندرکاران «نشاط» اما باید پاسخ دهند که آیا این دانشجویان بودند که دست به خشونت زدند یا گرازیهای وحشی مقام رهبری؟ نسل جوان چرا باید تحمل کند و به چه چیز باید دلخوش دارد؟ مگر فرجام پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را کسی از خاطر برده است؟ مگر دوران «توسعه سیاسی» خاتمی جز کشتار و سرکوب دگراندیشان، تصویب قوانین ظالمانه‌تر علیه کارگران و زحمتکشان، علیه آزادی‌اندیشه و بیان، علیه معتقدان به ادیان دیگر، علیه خلق‌های تحت‌ستم، علیه زنان، و علیه دانشجویان، چیز دیگری هم بوده است؟ «نشاط» و همفکرانش بگویند: چند نفر را در دوران «توسعه سیاسی» خاتمی به دار آویخته‌اند؟ خون چند صد انسان آزادیخواه را بر زمین ریخته‌اند؟ از کشتار در کردستان تا فاجعه کوی دانشگاه تهران، از دستگیری نوجوان ۱۶ ساله یهودی به جرم جاسوسی برای صهیونیسم تا قتل‌های سیاسی، از بستن مطبوعات تا دستگیری و زندانی کردن رهبران گروه‌های دانشجویی، خاتمی و مشاورانش نظیر گردانندگان نشاط جز حرف و سخنرانی و وعده و سوءاستفاده جناحی و گروهی از مردم، چه گلی به سر «توسعه سیاسی» زده‌اند؟ جایی که روز روشن قاتلان و آمران قتل‌ها عربده می‌کشند و خاتمی نسبت به آنها ابراز وفاداری می‌کند، جوانان محروم و تحقیر شده و بی‌آینده، چرا باید تحمل کنند؟ آنها دیگر چه دارند که از دست بدهند؟ با تحمل و مدارا و تن دادن به قانونی که توحش ولایت فقیه اصل و جانمایه آن است، چه بدست می‌آورند که بدون آن از دست می‌دهند؟

به دانشجویان توصیه می‌کنند در مقابل خشونت سکوت کنند. دریغ از یک جو شرم! در تمام دوران پس از دوم خرداد حاکمیت نه تنها هیچ یک از مطالبات دانشجویان را برآورده نکرده است، بلکه وحشیانه‌ترین تهاجمات را علیه آنها سازمان داده است که حمله به کوی دانشگاه تهران از آخرین نمونه‌های آن است. مبارزه قهرمانانه‌ای که مردم و جوانان ما با شعار «یا مرگ یا آزادی» شروع کرده‌اند، میوه نجات‌بخش این ادراک ژرف و عمیق است که نظام جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود نظامی نیست که حق رأی در آن معنایی داشته باشد. وگرنه گردانندگان روزنامه «نشاط» که همتوا با خامنه‌ای، انصارش و محفل قاتلان، جوانان انقلابی مردم را به خاطر بی‌اعتنایی به حکومت نظامی اعلان نشده در تهران و شهرستانها به آشوب‌طلبی و خشونت‌گرایی متهم می‌کنند، به این سوال پاسخ دهند: حال که سیل خروشان اعتراضات در اقصاء نقاط ایران صریح‌ترین شکل بیزاری مردم از نظام کنونی را به نمایش گذاشته است، آیا این نظام حاضر است زیر نظر نهادهای ناظر بین‌المللی، موجودیت خود را به رفراندوم ملت بگذارد؟ ما پاسخ را از روی پیام خامنه‌ای می‌دانیم، او با صراحت گفته است که تا پای جان برای حفظ دستگاه جباریت خود ایستادگی خواهد کرد، و خون‌ها خواهد ریخت، اما گردانندگان روزنامه «نشاط» چه می‌گویند؟ آنها آیا پاسخی به این خواست دارند؟ چه چیز نجیبانه‌تر و متمدنانه‌تر از این است که بدون ریختن خونی، نظامی مردمی جایگزین نظامی منفور شود؟ اما اگر حتی این متمدنانه‌ترین خواست مسالمت‌جویانه نیز به خاطر سببیت و اصلاح‌ناپذیری ولایت فقیه بوی خون می‌دهد، می‌تواند آیا به نام عقل و منطق مدافعان آن را خشونت‌طلب نامید و فرمان بازگشت به خانه‌ها و صبر و انتظار برایشان صادر کرد؟

دوران دو ساله گذشته دوران اثبات تحقق‌ناپذیری توسعه سیاسی در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی بوده است. جناح خاتمی از همان آغاز با این توهم زیانبار حرکت کرده است که گویا ۲۰ میلیون رأی در پشت سر

نیز ابقاء نخواهند کرد. این کشتی که «کیهان» و «نشاط» هر دو در دو سوی آن نشسته‌اند، دیر یا زود غرق خواهد شد. زیرا کشتی ولایت را دیگر ساحل نجاتی نمانده است.

خوشا به حال آنان که به جای تخطئه انقلاب مردم و حق مردم در تأمین یک زندگی آزاد از طریق برانداختن بساط استبداد حاکم، با آنان در این پیکار سترگ مشارکت ورزیده‌اند.

## بازهم پاپوش دوزی «کیهان»

این، نخستین بار نیست که «کیهان» با انعکاس اطلاعاتی‌های سازمان ما، می‌خواهد چنین الفاء کند که سرخ اعتراضات و طغیان مردم علیه حکومت، در خارج است. «کیهان» می‌کوشد با اثبات ارتباط راه کارگر و مردم معترض، سرکوب جنبش آزادی‌خواهان را توجیه کند. ریشه بحران و طغیان، در اصلاح‌ناپذیری نظام حاکم است و اگر مردم چنین شعارهایی می‌دهند، نه نشانه سرخ جنبش در خارج، بلکه نشانه آن است که مردم به تجربه و در سایه اعمال خود رژیم دارند درمی‌یابند که تنها راه اصلاحات سرنگونی رژیم و انحلال همه ارگان‌های آدم‌گشی و سرکوبگر آن است. اصلاح‌طلبی با طعم سرنگونی، انحلال و...!

گروهک ضدانقلابی راه‌کارگر با ارسال نامه‌ای از خارج کشور، به بهانه توقیف نشریات هویت خویش و سلام، خواستار مبارزه پیگیر برای دفاع از آزادی و دموکراسی شد و تصریح کرد: این خواسته جز با سرنگونی نظام حاکم و برقراری یک نظام واقعاً دموکراتیک تحقق‌پذیر نیست.

این گروهک، سلام را با سابقه‌ترین روزنامه جناح اصلاح‌طلب و قربانی اصلاح‌قانون مطبوعات خوانده است. گروهک مذکور همچنین خواستار انحلال وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شده و از خبرنگاران و نویسندگان دعوت کرده هرچه بیشتر علیه نظام اسلامی جبهه‌گیری کنند.

این گروهک همچنین پیشنهاد داد در تجمع دانشجویان از شعارهای «بسجی، سپاهی، دیگر اثر ندارد و ۲۰ سال سکوت تمام شد، مردم به ما ملحق شوید» استفاده شود.